فرایند هجرت امام خمینی از نجف به پاریس

زهرا □□□□□

کارشناس ارشد و پژوهشگر

در تاریخ مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) نقطه عطفی وجود دارد که هر یک در تعیین مسیر انقلاب نقشی تعیین کننده داشته است. سیزدهم مهر ماه سالروز هجرت امام از نجف به پاریس است. هجرتی تاریخی که بعد از آن فصلی دیگر درنهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی گشوده شد.
علت هجرت امام به پاریس به جریاناتی که چند ماه قبل از این تصمیم روی داد بر می‌گردد. حجم ورود اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام از عراق به ایران در ماه‌های آخر سال 1356 افزون‌تر از گذشته بود و در تحریک مردم و تظاهرات اعتراض آمیز ضد رژیم شاه تأثیر انکار ناپذیری داشت.

بحران روز افزون رژیم پهلوی در سال 57 و تداوم تظاهرات و راهپیمایی‌ها دولتمردان را به این واقعیت رساند که عامل اصلی تشنجات در نجف به سر می‌برد. مقامات عراقی نیز که از نفوذ و محبوبیت امام نزد شیعیان و گروه‌های اسلامی خارج از ایران مطلع بودند از امام تقاضا نمودند که فعالیت‌های سیاسی‌شان را محدود کنند ولی هر بار با مخالفت امام مواجه می‌شدند.
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی پور از نزدیک‌ترین یاران آیت‌الله خمینی که سال‌ها در نجف اشرف در کنار ایشان حضور مستمر داشته درباره هجرت امام چنین بیان می‌کند:

«از آبان ماه 1356 با قتل مشکوک آقا مصطفی توسط عوامل رژیم شاه، حوادث در ایران خیلی سریع پیش می‌رفت؛ تجمع و درگیری‌های زیادی شکل می‌گرفت و تعدادی از مردم در هر مراسم به شهادت می‌رسیدند. امام از این حوادث در جهت مبارزه با رژیم شاه بهره می‌جستند و تحرکات امام از این زمان گسترش پیدا کرد و جهت گیری‌های ایشان از این دوره به بعد مرزبندی جدی‌تری یافت. امام در اربعین شهدای هر شهر اعلامیه می‌دادند، به همین دلیل رژیم ایران از رژیم بعث عراق می‌خواست جلوی همه فعالیت‌های امام را بگیرد».

و همین مساله بود که دولتمردان امنیتی و اطلاعاتی را به فکر چاره جویی انداخت و براساس مفاد عهد نامه‌ای که در قرارداد الجزایر بین ایران و عراق تصویب شده بود، مقامات امنیتی ایران از مقامات عراقی خواستار ایجاد محدودیت برای آیت‌الله خمینی شده بودند.
دولت شریف امامی که جایگزین دولت آموزگار شده بود سعی در مهار این بحران داشت. و امام پس از ارزیابی مسائل سیاسی صریحاً و سریعاً در صدد برآمدند از عراق خارج شوند و این در حالی بود که رژیم عراق از بیم واکنش شیعیان سیاست‌های دو پهلویی اتخاذ کرده و در دادن اجازه تعلل می‌کرد.

گفت و گویی میان امام و سعدون شاکر رئیس سازمان امنیت عراق درمی‌گیرد که طی آن آیت‌الله خمینی به او می‌گوید: «من هرجا بروم سجاده‌ام را پهن می‌کنم و به فعالیتم ادامه می‌دهم و به جایی می‌روم که تحت سلطه شاه نباشد و شما نسبت به شاه متعهد هستید».

♦ **سخنان امام در 19 مهر دراین مورد**

«رئیس اطلاعاتشان پیش من آمد و راجع به اینکه شما فعالیت نکنید، برای اینکه ما تعهداتی با دولت ایران داریم. من گفتم خوب شما تعهداتی نسبت به دولت ایران دارید اما من نسبت به آن تعهدی ندارم؛ ما هم تعهداتی نسبت به اسلام و نسبت به خودمان داریم. ما کار خود را ادامه می‌دهیم. شما هر کاری می‌خواهید بکنید. گفت آخر شما هر روز اعلامیه می‌دهید هر روز یک نواری می‌فرستید و چه می‌کنید؛ کمترش کنید. گفتم: نه، من اعلامیه می‌دهم، نوار هم پر می‌کنم و می‌فرستم، منبر هم اگر رفتم صحبت می‌کنم. این‌ها چیزی است که من نمی‌توانم کنارشان بگذارم. اوهم رفت. بعد تشدید کردند، به طوری که من دیدم این‌ها دیگر تحمل مطلب را ندارند. من دیدم اینها ممکن است رفقای ما را تهدید بکنند و برای ما هم مکانی مطرح نیست. می‌خواهیم کارمان را انجام دهیم. قرار گذاشتیم که به کویت برویم بعد به یکی از ممالک اسلامی».

این اتفاق جرقه اول برای هجرت امام بود. منزل امام هم تحت محاصرة نیروهای امنیتی عراق بود و از طرفی این محاصره باعث ارسال سیل تلگراف‌های مراجع، علما و دانشجویان و… به رئیس جمهور وقت عراق شد واز طرفی هم اتفاقاتی مانند آتش زدن سینما رکس،17 شهریور و … در ایران رخ می‌داد.

سید محمد علی موسوی که روابط نزدیکی با آیت الله خمینی داشته و در جریان مسافرت تا مرز کویت همراه وی بود می‌گوید:

«در اواسط رمضان دو نفر از مقامات امنیتی بغداد نزد آقای خمینی آمده و به ایشان گفتند دولت عراق به هیچ وجه مایل نیست اقدامات ضد ایرانی در عراق به عمل آید و از ایشان تقاضا کردند در فعالیت‌های خود این نکته را ملحوظ داشته باشند و آیت الله در جواب گفتند که شخصاً وظایف مذهبی دارند که باید به آن عمل نمایند. پس از تشدید فعالیت‌ها و رفت و آمد های بسیار، دولت عراق تحت عنوان محافظت از منزل ایشان تعدادی مأمور را در اطراف خانه ایشان گماشت. آیت الله در اواخر رمضان حس کرده بودند که دولت عراق مصمم است فعالیت‌های ایشان را محدود سازد تصمیم گرفتند خاک عراق را ترک کنند و به کویت بروند».

ایشان پس از دریافت مهر خروج از عراق و نیز هماهنگی‌های اولیه

برای ورود به کویت، به دنبال سلسله حوادثی که در مرز کویت روی داد سرانجام تصمیم گرفتند عازم کشور فرانسه شوند.
مطابق سند 1494-12\5\57 نمایندگی کویت موضوع مسافرت امام به کویت را به اطلاع سفیر ایران رساند. خودداری کویت از ورود آیت‌الله خمینی به آن کشور مقامات امنیتی ایران را با این سؤال مواجه کرد که تصمیم بعدی امام چیست؟ با احتمال مسافرت امام به سوریه، طی تلگرافی به نمایندگی ساواک در دمشق، خواستار هماهنگی با سفیر و جلوگیری از تحرکات امام شد. استیصال رژیم از نا آگاهی نسبت تصمیم امام، از خلال گزارش‌های ساواک به خوبی نمایان است. در گیرو دار گمانه زنی‌ها و پیش بینی‌های مقامات امنیتی رژیم پهلوی که حتی بیم هراس از ورود امام به ایران در جلسات شورای امنیت ملی رژیم هم مطرح شده بود. ناگهان تصمیم تاریخی آیت‌الله خمینی در هجرت به فرانسه و انتشار خبر ورود ایشان به این کشور، همگان را به تحیر وا داشت.
نمایندگی ساواک در عراق طی سند شماره 353-18\7\57 با شرح جزئیات مسافرت آیت‌الله خمینی به فرانسه، دستگاه اطلاعاتی عراق را به عدم همکاری با طرف ایرانی متهم کرد و متذکر شد: «قرائن متعدد تأیید می‌نماید که همکاری سرویس عراق متاسفانه به پایه‌های سست و بی اساس استوار است و مسئولین آن از بیان مطالب دروغین و بدتر از آن اطلاعات منحرف کننده ابا نمی‌ورزند».
امام نیز در اعلامیه‌ای که به تاریخ 13 مهر 1357 با عنوان «متن اعلامیه حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی به هنگام پرواز به سوی پاریس از بغداد» منتشر گردید به این نکته اشاره کردند:
«… اکنون که من باید ناچار جوار مولا امیر المومنین (ع) را ترک نمایم و در کشورهای اسلامی دست خود را برای خدمت به شما ملت محروم که مورد هجوم همه جانبه اجانب و وابستگان به آنان هستید باز نمی‌بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه ممانعت نمودند، به سوی فرانسه پرواز می‌کنم. پیش من مکان معینی مطرح نیست؛ عمل به تکلیف الهی مطرح است».
بدین ترتیب عصر روز 14 مهر 1357 امام و همراهان به بغداد منتقل شده و در آنجا پس از توقفی کوتاه در پاریس در دهکدهٔ نوفل لوشاتو اقامت کردند.

♦ چه کسی پیشنهاد هجرت امام خمینی از عراق به پاریس را مطرح کرد؟

دربارهٔ اینکه چه کسی پیشنهاد هجرت امام به پاریس را داد همواره ادعاهایی مطرح شده است. ابراهیم یزدی از جمله افرادی است که ادعا می‌کرد رفتن امام به پاریس پیشنهاد وی بوده است. این ادعا در زمان

حیات امام مطرح شده بود لذا بنیانگذار انقلاب اسلامی در پایان وصیت نامه خود نوشتند: «از قرار مذکور، بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیلهٔ آنها بوده است؛ این دروغ محض است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه دادن نبود، آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود».
جای دیگر درباره عزیمتشان به پاریس می‌فرمایند: ما هیچ بنا نداشتیم که به پاریس برویم مسائلی بود که اراده ما در آن دخالت نداشت هرچه بود، و تا حالا هر چه هست و از اول هرچه بود با اراده خدا بود.
ظاهراً فلسفه انتخاب فرانسه این بود که فرانسه یکی از کشورهای اروپایی که لغو روادید بود و ایرانیان به ویزا نیاز نداشتند از طرف دیگر فرانسه به مهد آزادی معروف بود و آزادی خواهان دنیا برای فعالیت به آنجا می‌رفتند.
مرحوم دکتر یزدی در کتاب شصت سال صبوری و شکوری می‌نویسند: «مورخان و تحلیل گران تاریخ انقلاب گفته و نوشته‌اند که اگرمن به نجف نمی‌رفتم و آقای خمینی را همراهی نمی‌کردم و اگر دولت کویت مانع از ورود آقای خمینی و همراهانش به کویت نمی‌شد، ایشان به سوریه می‌رفتند و در دمشق مستقر می‌شدند و جنبش به احتمال زیاد در همان سطح محدود ملی باقی می‌ماند. یکی از دستاوردهای این ارتباط سازمان یافته، سفر آقای خمینی به پاریس بود اگر این ارتباطهای سازمان یافته نبود، به احتمال قریب به یقین سفر به پاریس هرگز صورت نمی‌گرفت».

پس از مراجعت به ایران و پیروزی انقلاب، در 6 اسفند 57 هیاتی از مسلمانان کویت برای دیدار آیت‌الله خمینی به ایران آمدند ایشان خطاب به آنها گفتند که می‌خواستند از عراق بروند به کویت و سپس در سوریه اقامت کنند. همچنین نگاه کنید به سخنرانی ایشان در مهر 57 و مصاحبه با روزنامه گاردین 10 آبان 57 و با رادیو تلویزیون اتریش 10 آبان 57.
سفر 118 روزه آیت‌الله خمینی به فرانسه و استقرار در دهکده نوفل لوشاتو، انقلاب ایران را ناگهان از یک پدیده محلی و ملی به صورت کانون توجهات جهانی در آورد. پاریس در میان شهرهای اروپا، ا یک

موقعیت سیاسی ویژه در دنیا برخوردار بود. اقامت ایشان در فرانسه برخلاف تصور رژیم شاه، باعث تسریع در انقلاب شد و پس از چند ماه منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید.
در بدو ورود به پاریس، نمایندگان کاخ الیزه با امام ملاقات کرده و پیام رسمی دولت را مبنی بر ممانعت ازهر گونه فعالیت سیاسی ابلاغ کردند آیت‌الله خمینی در پاسخ با همان قاطعیتی که با مسئولین عراق برخورد داشتند، گفتند که اینگونه محدودیت‌ها خلاف ادعای دموکراسی است: «ما فکر می‌کردیم که اینجا مثل عراق نیست، من هرکجا بروم حرفم را می‌زنم؛ من از فردوگاهی به فرودگاه دیگر و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا دستشان را در دست یکدیگر گذاشتند تا مردم جهان صدای مظلومان را نشوند. ولی من صدای مردم دلیر ایران را به دنیا خواهم رساند».

محبوبیت امام و فشار افکار عمومی سبب شد تا مسئولین فرانسوی بدون آنکه رسماً موضع خود را اعلام کنند، در عمل از فشارهای خود کم کردند. در مدت اقامت چهار ماهه امام در پاریس، نوفل لوشاتو مهم‌ترین مرکز خبری جهان بود و مصاحبه‌های متعدد و دیدارهای مختلف امام دیدگاه‌های ایشان را در زمینه حکومت اسلامی و هدف‌های آتی نهضت برای جهانیان بازگو می‌کرد و از همین جا بود که بحرانی‌ترین دوران نهضت را در ایران رهبری کرد.
جان استمیل عضو و مدیر بخش سیاسی نظارت آمریکا در رابطه با هجرت امام به پاریس در کتابی به نام اندرون انقلاب ایران می‌نویسد: «ضدیت مطلق آیت الله با شاه، سلطنت طلبان را قانع کرد که یک عمل جدی و برجسته‌ای باید انجام داد. در حدود اواسط سپتامبر، توافق موفقیت آمیزی با دولت عراق به دست آمد مبنی بر اینکه آیت الله را از عراق باید بیرون اندازند. آیت الله برای مدت 14 سال در نجف زندگی می‌کرد. در 23 سپتامبر، پلیس عراق منزل او را محاصره و مانع ورود افرادٍ به جزاعضای خانواده به منزل گردید. هشت روز بعد دولت عراق رسماً از آیت الله خواست که عراق را ترک کند. او ابتدا به پاریس رفت. که به او اجازه ورود ندادند و سپس در 6 اکتبر به

پاریس رفت. دولت فرانسه به خمینی به عنوان یک پناهندهٔ سیاسی اجازه ورود داد؛ ولی او را از فعالیت‌های سیاسی منع نمود. ظاهراً قصد اولیه شاه آن بود که آیت الله به ترکیه یا کشور دیگری نظیر آن که در آنجا شیعیانی نباشند که او را نظیر نجف حمایت کنند، تبعید شود. اما آنچه شاه به دست آورد پاریس بود. آنجا که آیت الله به سرعت مرکز توجهات رسانه‌های گروهی غرب شد و امکانات ارتباطی به مراتب بهتر از نجف در دسترس قرار گرفت».

♦ **روایت شریف امامی از سفر آیت‌الله خمینی به پاریس**

سفیر عراق نزد او می‌آید و دعوت رئیس جمهور عراق را از شاه به اطلاع او می‌رساند. وقتی شریف امامی شاه را در جریان می‌گذارد، شاه می‌گوید: چگونه می‌توانم به عراق بروم وقتی که یک آخوند آنجاست که به من مرتب حمله می‌کند. پس از اینکه سفیر عراق از طریق شریف امامی از پاسخ شاه آگاه می‌شود راه حل را در منزوی کردن آیت‌الله خمینی می‌داند و می‌گوید: تنها کاری که لازم است ما بکنیم این است که یک مأمور جلوی در منزل خمینی بگذاریم و به او مأموریت بدهیم که نام تمام مراجعین را یادداشت بکند. این اقدام برای منصرف کردن مراجعین کافی خواهد بود.
شریف امامی می‌گوید: ما تعجب کردیم که چرا ایشان به پاریس رفته؛ ما فکر می‌کردیم او به لیبی یا الجزایر یا به کلی به یکی از کشورهای اسلامی برود.
نویسندگان کتاب سقوط آمریکا در ایران درباره فشار شاه به دولت عراق برای خاموش کردن آیت‌الله خمینی می‌نویسند: از میان اشتباهات شاه، این بزرگ‌ترین آنها بود. برای آنکه رهبری و کنترل حرکت انقلابی را تسریع کرد.
قطعاً دوره چهار ماهه اقامت آیت‌الله خمینی در پاریس یکی از مهم‌ترین دوره‌های انقلاب اسلامی است؛ دوره‌ای که با اقدامات و تصمیمات اساسی حضرت امام به مبارزات مردم در ایران قدرت و انسجام بخشید و ابتکار عمل را از حکومت پهلوی گرفت. می‌توان گفت هجرت آیت‌الله خمینی به پاریس به جهانی شدن انقلاب اسلامی کمک شایانی کرد.
اما این پرسش همچنان به قوت خود باقی است که این فکر بکر از آنِ که بود؟